



بررسی نژادپرستی از منظر قرآن و یهودیت

مهدی اعتمادنسب^۱*

چکیده:

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی حدود چهارده قرن پیش در برابر هر نوع ظلم و استبداد زیر هر عنوانی که باشد اعلام مبارز نموده است عامل بروز برخی از تفاوت‌های ظاهری را در میان انسانها مثل رنگ پوست و زبان را بیان داشته و آنها را از نشانه‌های قدرت خداوند برشمرد است و نیز منشای آفرینش تمام بشریت را یکی دانسته و روی برتر بودن نسب، زبان، محیط جغرافیایی، قبیله، قدمت تاریخ و... خط بطلان کشیده است خداوند ملاک واقعی برتری را به صورت صریح تقوا و خدا ترسی قرار داده و مردم را به انسجام و اتحاد فرا خوانده است بنابراین اگر جوامع اسلامی بر همین معیار تأسیس شوند و ملاکهای خیالی و صرفاً دنیوی چون، نسل کثرت، فرزندان مال و ثروت و ... از میان برداشته شود، به یقین که دیگر شاهد فخر فروشی به نژاد و تاریخ گذشتگان شکل گیری نظامهای، طبقاتی حس انتقام جویی، شخصیت کشتارهای بی رحمانه و به تاراج بردن اموال مردم نخواهد بود.

واژگان کلیدی: تبعیض نژادی، قرآن کریم، یهود، عهد عتیق، مظاهر نژاد پرستی

۱-مقدمه

آغاز پدیده نژاد پرستی را میتوان تفکر نژاد پرستانه شیطان دانست و قوم یهود به عنوان وارثان این روحیه خود را بر اقوام و نژادهای دیگر برتر پنداشتند جلوههای این برتری طلبی را میتوان به گونه‌های مختلف در نسخه محرف عهد عتیق و در ذیل داستانهای مربوط به رقابت یعقوب با خدا، امت‌های نا اهللی که از فرزند نخست ابراهیم به وجود می‌آیند برتری نژاد سام بر سایر نژادها و نیز داستانهای مربوط به مهاجرت‌های امت یهود و یا شریعی که در میان آنها وجود داشت، جستجو نمود. این موضوع در قرآن کریم در ذیل آیات متعددی مطرح گردیده است. آیه شریفه وقالوا لن تمسنا النار إلا ایاماً معدوده» و نیز آیه «نحن أبناء الله و احبائه» و «ان ابراهیم... کان هوداً و یا آیه وقالوا لن یدخل الجنة الا من کان هوداً...» و یا آیه وقالوا کونوا هوداً...» و در زمره آیات فراوانی است که مسأله نژاد پرستی قوم یهود را به تصویر می تبیین ماهیت این پدیده، در کنار بررسی علل و عوامل پیدایش آن و نقش مخربی که برای سلامت اجتماعی، و رشد و شکوفایی جوامع بشری دارد موضوع مطالعاتی ما در پایان نامه پیش رو به شمار می رود. ترسیم ایده قرآنی در این باره و آموزههایی که بر پایه مساوات و حقوق برابر برای همه انسان ها ترسیم می شود از یک سو، و اعلام الغای جمیع انحای برتری طلبی، قومی، نژادی، زبانی، جنسیتی و... و در مقابل برتری دادن به تقوا و پرهیزگاری از جمله شاخصه‌های نظریه قرآن کریم در این خصوص است. برای این منظور پیامبر اکرم (ص) از ابتدای دعوت خود با شعار پرهیز از برتری جویی نژاد پرستی و ملیت گرایی جوامع

^۱نویسنده مسئول: مهدی اعتمادنسب، کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نورآران بیگلر.

بشری را به سلم و صلح و صلاح دعوت نموده است و بلافاصله پس از هجرت و استقرار حکومت اسلامی در مدینه، مسلمانان را برادر یکدیگر نامید و میان عرب و عجم و سیاه و سفید پیوند اخوت برقرار ساخت.

۲- روش تحقیق

روش این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد، بدین گونه که بررسی عهد عتیق، قرآن کریم و تفاسیر که با رویکردهای مختلفی در توضیح و بیان آیات پیرامون تبعیض نژادی تذکر یافته، با استعانت از خداوند متعال می‌توان جمع‌آوری قابل توجهی در موضوع تحقیق به دست آورد.

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجایی که سالهاست مسلمانان جهان به خصوص مردم مظلوم و رنج‌دیده افغانستان در اثر مداخلات دشمنان اسلام چون یهود تحت عناوین مختلف امنیت آسایش و رفاه را از دست داده و دچار مشکلات گوناگون گردیده‌اند که از آن جمله مشکلات دور ماندن تعداد قابل ملاحظه‌ای مردم این سرزمین از دسترسی به نظام آموزشی تحصیلات و فهم درست از دین مقدس اسلام میباشد که این معضل سبب وجود هزارها مصیبت و بدبختی به انواع گوناگون گردیده است که از جمله در نوع بیماری مزمن و خطرناک بنام تبعیض نژادی، قبیله‌ای زبانی و منطقه‌ای میباشد که شاهد این مدعا جنگهای خانمان سوز احزاب مختلف جهت اشغال مسند و قدرت که عامل عمده، آن تبعیض نژادی قومی و زبانی بوده است و از جانب دیگر اسلام پیروان خود را به اخوت و برادری فراخوانده و سرنوشت تبعیض نژادی و نژادپرستان را مشخص ساخته و مرگ چنین اشخاص را مرگ جاهلیت قلمداد کرده است؛ بنابراین برای برگرداندن ابهت و عظمت اسلام و مسلمانان و جوامع اسلامی بازسازی و گذر از بحران کنونی در جهان معاصر کنار گذاشتن و فایق آمدن بر تعصبات قومی، زبانی، مذهبی و... است، در وجود این پدیده‌ی شوم هرگز به رویای آزادی و تمدن و مدنیت دست نخواهیم یافت. بلکه جهان اسلام زمانی بسوی پیشرفت گام بر خواهد داشت که ریشه‌های تفکرات بدوی و جاهلیت در آن خشکانیده شود و فرهنگ ایتار و توجه به هموع بجای هم‌نژاد در صدر ارزش‌ها قرار بگیرد؛ لذا نیاز است که مظاهر نژادپرستی در عهد عتیق، عوامل و پیامدهای آن از منظر قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۴- پیشینه‌ی مطالعات و آثار

نقطه شروع پدیده نژادپرستی را میتوان تفکر نژادپرستانه و برتری طلبی شیطان بر انسان دانست که زمینه خروج از بندگی خداوند و عصیان‌ش شد و سپس یهودیان ادامه دهنده مسیر او شدند. در طول تاریخ مانند قوم نژادپرست یهود برخی دیگر از اقوام یا گروهها خود را به دلایلی از دیگران برتر دانسته‌اند، که چنین دیدگاهی در نهایت به اندیشه‌های برتری جویانه و نژادپرستی آنان منجر شده و در نتیجه مفکوره‌ی شوم نژادپرستانه فراگیر گردیده دامن گیر سایر ملت‌ها از جمله امت اسلامی و جوامع اسلامی گردید.

در دین مبین اسلام موضوع تبعیض نژادی مورد توجه خاص بوده است، آیات و روایات متعدد در این زمینه وجود دارد که بیانگر این موضوع میباشد و مفسران مختلفی نیز به مناسبت درباره آن گفتگو نموده‌اند. به طور مثال تفسیر المیزان تألیف علامه طباطبائی، تفسیر فی ظلال القرآن، تألیف سید قطب، تفسیر نمونه، تألیف آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر روح المعانی، تألیف محترم آلوسی و... در ذیل آیه ۱۳ سوره حجرات، آیات ۱۱-۱۷ سوره اعراف، آیه ۲۶ سوره الفتح، آیات ۷ و ۸ سوره زلزله، آیه ۱۸ سوره مائده و... به صورت کوتاه و فشرده روی این موضوع وارد بحث شده‌اند و نیز باید گفت که بر اساس سعی و تلاش بنده کتاب و یا اثر علمی مستقلاً پیرامون مظاهر تبعیض نژادی در عهد عتیق، تحلیل عوامل و پیامدهای آن از منظر قرآن کریم به صورت تطبیقی انجام نشده است؛ هر چند برخی کتب مانند اسلام و نژادپرستی اثر عبدالعزیز قاره اسلام و تبعیضات نژادی اثر علی حجتی کرمانی، پایان نامه‌ی قرآن و مسئله‌ی نژادپرستی اثر اکرم حیدری و مقاله‌های چند برگهی مرتبط به، موضوع نگارش یافته، اما آنها مسئله را به صورت کلی در حوزه اسلام و ارایه‌ی دیدگاه قرآنی مطرح کرده‌اند.

۵- مفهوم شناسی

۵-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی تبعیض

در معنای لغوی تبعیض دانشمندان لغت معانی مختلف را ذکر کرده اند که ما به ذکر مهمترین آنها می-پردازیم: از آن جمله تبعیض به معنای پاره پاره کردن تقسیم و جدا کردن برخی را از برخی، بین دو یا چند کس مساوی یکی را امتیاز دادن، برتر دانستن برخی کسان بر برخی دیگری بدون کدام دلیل شرعی و قانونی و همچنان تبعیض به مفهوم پذیرفتن یک گروه و رد کردن دیگر می باشد. باتوجه به دقت در نکات ذکر شده در تعاریف لغوی، تبعیض به نظر میرسد تبعیض معنای منفی داشته و دو تعریف، آخر بیشتر به تعریف اصطلاحی تبعیض شباهت دارد چنانچه در تعریف اصطلاحی آن، آورده - اند. تبعیض به طور کلی عبارت است از وضع محدودیت هایی توسط قانون، آداب و رسوم یا قرارداد غیر رسمی علیه یک گروه خاص مانند گروه مذهبی یا نژادی.

بنابر برخی از منابع سازمان ملل متحد، تبعیض چنین تعریف شده است تبعیض متضمن هرگونه رفتاری است که بر دلایل و موجباتی از نوع طبیعی یا اجتماعی مبتنی باشد دلایل و موجباتی که نه با استعدادها یا شایستگی های فردی ارتباط دارد و نه با رفتار مشخص فرد.

۵-۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی نژاد

نژاد در لغت: نسل، نسب، دوده، دودمان، ذریه، عرق نتاج تبار و خاندان معنا شده است. و در اصطلاح نژاد عبارت است از اقوامی که از لحاظ اصل و نسب و علامات ظاهری از قبیل رنگ پوست بدن و قیافه و استخوان بندی و خصوصیات روحی و اخلاقی باهم شباهت دارند از تعریف مذکور دانسته میشود که در مفهوم نژاد سه ملاک همچون نشانه های ظاهری، بدن ویژگیهای روانی و خصوصیات اخلاقی، به عنوان معیارهای شناخت نژادهای اقوام و ملتها مطرح بوده و در صورت فقدان یکی از آنها مسئله نژاد نمی تواند تبارز نماید.

۵-۳- مفهوم تبعیض نژادی

تبعیض نژادی نژاد پرستی عبارت است از بزرگ داشتن و به رسمیت شناختن گروهی که از یک نژاد و نسل بوده اند همین ارتباط اساس و انگیزه آنان است که ابتدا در خانواده گذاشته می شود، سپس گسترش یافته در سطح قوم و طایفه توسعه می یابد و بعد به نسل و نژاد عرض اندام میکند. برخی دیگری از دانشمندان اسلامی تبعیض نژادی را اینگونه تعریف نموده اند نژاد پرستی اندیشه ای است که بر مقتضای آن یک گروه نژادی از گروههای دیگر برتری جویی میکنند. اندیشه تبعیضی نژاد پرستان هیچ گونه اساس علمی نداشته و از نظر ویژگیهای روانی فرهنگی و زیستی با هم هماهنگ هستند، که نمونه بارز آن را می توان برخورد توهین آمیز یک توده ی از انسانها با سایر گروه ها بدون توجه به دین و مذهب مشاهده نمود، که سرانجام چنین برخوردهای غیر منطقی بقیه فرد یا افراد را متاثر ساخته و مانع رسیدن آنها به خیلی از مناصب اجتماعی میگردد که حتا در برخی حالات باعث تجزیه گروه ها میشود، البته این نوع تبعیض نژادی هنگام که اقوام مختلف در میان یک ملت با حفظ هویت ملی خود زندگی می نمایند زیاده تر بروز می کند.

۵-۴- انواع تبعیض

تبعیض همواره بر آنست تا بتواند به شیوه های گوناگون روابط ناگستنی را بین افراد خویش براساس یک اندیشه پوچ و غیر منطقی مستحکم سازد و چنان بین هم بسیج نماید که در راه طرفداری از منافع شان گرچندی که خلاف شرع، عقل و منطق بوده باشد، از هیچ نوع ایثار و فدا کاری روی نگردانند، که این ارتباط و پیوند غیر منطقی میتواند به انواع واقسام زیادی صورت گیرد که ما در این مبحث آن را مورد بررسی قرار میدهیم.

۵-۵- تبعیض نژادی

تبعیض نژادی چنانکه در تعریف، آن بیان کردیم عبارت از برتر دانستن گروه و هم نژادی خود بر دیگر گروه ها و نژادها است و افتخار به سلسله و شجره نسب خود میکنند برای باری اول تهاداب آن در خانواده گذاشته می شود و بعد گسترش می یابد که اساسی ترین انگیزه همبستگی بینشان ارتباط خونی است، در واقع این نوع تبعیض مادر همه برتری جویی ها بوده که ریشه تمام انواع خودبینی ها از

همین شروع می شود و سایر عرصه های زندگی را تحت پوشش قرار می دهد. تمرکز بحث ما هم در این رساله همین نوع از تبعیض می باشد قبلا در بحث تعریف تبعیض نژادی بدان اشاره شده است.

۵-۶- تبعیض به رنگ

رنگ پوست یکی از واضح ترین تفاوت‌های است که از آغاز زندگی بشریت به چشم میخورد و از ملاک های برتری طلبی بین اشخاص و جوامع انسانی که رنگ متفاوت دارند میباشد. از بارزترین نمونه ی قربانی تبعیض به رنگ سیاه پوستان، هستند ایالات متحده آمریکا یکی از کشورهای است که در دهه های اخیر پدیده شوم برتری جویی سفید بر سیاه در آن موج میزند، به گونه که در این قاره سیاه پوستان مورد ظلم و ستم سفید پوستان قرار داشته و از ابتدایی ترین حقوق و امتیازات بشری بی بهره هستند، آنان اجازه ورود به مراکز اجتماعی، عبادی، علمی، صحتی و تفریحی در کنار هم و طنان سفید پوستی شان را ندارند. آنان به جرم سیاه پوست بودن همواره مورد حمله، تجاوز، زندان کشتارهای گروهی و قتل های وحشیانه توسط کسانی قرار میگیرند که خود را متمدن مترقی ممثل و بانی حقوق بشر می دانند. زنان سیاه پوست آمریکایی که دارای وضع مطلوب اجتماعی و اقتصادی هستند، در برابر زنان سفید پوست که حالت ناگوار اجتماعی و اقتصادی دارند محض به گناه سیاه بودن زندگی ناهنجاری را سپری مینمایند. تبعیض به رنگ از اساسی ترین عناصری است که این گروه از متعصبین را بر محور خود گرد هم آورده و سبب می شود تا از همدیگر به خوبی یاد نموده و دفاع نمایند.

۵-۷- تبعیض سمتی (ملیت گرایی)

معیار تبعیض این نوع از متعصبین محدوده جغرافیایی است که به آن منسوب بوده و در آنجا زیست می - نمایند، باور دارند تا فلان قلمرو وطنم است و به دیده میهن اصلی خویش بدان می نگرند و به کشور شان تفاخر نموده، خویش را جزیی از آن میدانند و وجود خود را فدای میهن شان میکنند و می گویند خارج از ما ارتباطی ندارد، که به این نوع تبعیض میهن پرستی نیز گفته میشود. در حقیقت این بزرگترین عاملی است که فرد و یا گروه خود را در یک قلمرو مشخص محدود میکند هر چند هیچ مانع وجود ندارد که مطابق میلش بتواند هر گوشه از دنیا را به حیث مسکن خویش برگزیده و تمامی افرادی که روی کره زمین زندگی دارند هم میهن خود پندارد هرگاه چنین احساس در ذهن و روان افراد و گروه ریشه دواند، لزوما برآندند تا در میان سکونت گزینان قلمرو خویش و دیگران فرق قایل شده و هم میهنان خویش را در تمام امور و معاملات بر دیگران ترجیح دهند هرگاه در منافع و مصالح آن دو اختلاف بروز کند اینها منافع خویشان را حفظ مینمایند هر چند که باطل باشد و در مقابل منافع دیگران را پایمال خواهد کرد و لو که حق باشد، اینجاست که پدیده شوم تبعیض رشد نموده و باعث تفرقه افگنی جامعه بشریت می شود، بنابر همین دلایل امروز جهان بشریت در آتش جنگ به سر برد.

۵-۸- تبعیض مذهبی

مذهب در لغت، راه، روش دیدگاه و اندیشه که گروهی آن را بر میگزینند و بدان منسوب میباشند. و در اصطلاح به معنای خاص عبارت است از اجتهادی یک امام مبتنی بر دلیل یا قول جمهور فقها یا آنچه نزد امام ترجیح یافته است مذهب به این معنا تنها در مسایل اختلافی که فاقد نص شرعی یا اجماع امت باشد، و مذهب در اصطلاح به معنای عام عبارت است از مجموعه از نظریات و افکار پیرامون موضوع مشخصی که برخی از آنها را با برخی دیگر پیوند داده طوری که بر محور نکته واحد متحد شوند. تبعیض مذهبی به معنای خاص عبارت است از حجت قرار دادن آرای اجتهادی یک امام بر خود و دیگران که در انجام آن امام را شارع و تکلیف دهنده قرار دهی نه متشرع و تکلیف پذیر. تبعیض مذهبی به تحقیر مفهوم عام عبارت از حالتی از تمسک تندروانه ای از اندیشه ی دینی است که منجر به استخفاف آرای دیگران شود. روی همین ملحوظ است که تبعیض مذهبی گاهی رنگ اعتقادی و ایدئولوژی را به خود می گیرد و این از خطرناک ترین نوع تبعیضاتی است که اندیشه افراد را تحت پوشش قرار میدهد، همواره سبب جنجال کشمکش و قتل‌های غیر منطقی و انسانی بین ادیان مذاهب و فرق میگردد، نمونه های از این نوع برخوردهای بی منطق را میتوان در طول تاریخ زندگی بشر به طور مکرر مشاهده نمود و روشن ترین مثال آن، تعصباتی است که قلدران زورگو و حاکمان ثروت پیشه و منفعت طلب در برابر دعوت انبیای خداوند از خود ارایه دادند حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام جهت نجات مردم از اندیشه مزخرف بت پرستی آغاز به شکستن بت

ها نمود و به افرادی که از بت پرستان خواهان کمک بودند فرمود: «أَقْعَبُدُونِ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ» (انبیاء، ۶۶). آیا می‌پرستید به غیر از خدا چیزی را که نه سودی به شما دارد و نه زبانی به شما رسانده می‌تواند (امید از سودشان و هراس از ضررشان ندارید در جواب این استدلال گفتند: «حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» (انبیاء ۶۸) بسوزانید او را و یاری رسانید الههای خود را اگر می‌خواهید کاری بکنید و در مقابل معجزه حضرت موسی علیه السلام و دلیل واضح او گروهی از ساحران تسلیم میشوند و ایمان می‌آورند اما فرعون از حق و حقیقت اعراض نموده و جهت تهدید برای آنها می‌گوید: «لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ» (اعراف، ۱۲۴). سوگند یاد میکنم که دستها و پاهایتان را بر خلاف همدیگر (دست راست با پای چپ و یا بر عکس آن می‌برم، سپس همگی‌تان را بر دار خواهم کشید. این نوع برخورد و منطق افرادی است که از مسیر حق منحرف شده و محروم از اندیشه درست هستند و توان پاسخ عقلی و منطقی را ندارند لذا با استفاده از زور و قلدوری میخواهند ندای برحق جانب مقابل را خاموش سازند.

۶- خلاصه بحث

واژه تبعیض به معنای پاره پاره کردن تقسیم و جدا کردن برخی را از برخی بین دو یا چند کس مساوی یکی یا برخی را امتیاز دادن وضع محدودیت علیه یک گروه خاص آمده است پس مراد از تبعیض، ترجیح دادن برخی اشخاص بر برخی دیگری بدون کدام وجه ترجیح شرعی و قانونی و یا تفاوت قایل شدن میان بر اساس مسائل چون نژاد زبان قبیله و رنگ میباشد واژه نژاد به معنای نسل، دودمان، تبار و موضوعی که برخی از ویژگیهای جسمی و نشانه‌های ظاهری مانند استخوان بندی، رنگ پوست، رنگ چشمان، رنگ مو و قیافه با هم نزدیک و همانند باشند استفاده شده است مفهوم تبعیض نژادی اندیشه‌ای است که مقتضای آن یک گروه نژادی از گروههای دیگر برتری جویی می‌کنند، و باور آنان گونه هیچ پایگاهی علمی، ندارد واژه تعصب به معنای حمایت بی چون و چرا و واکنش عاطفی و احساس بدور از هرگونه معیار عقلانی و وابستگی غیر منطقی به چیزی که انسان را از درک حق و برتری دادن آن، برباطل باز بر می‌دارد، به کار رفته است.

از منظر قرآن کریم در طول تاریخ تبعیض نژادی و برتری جویی یک تبار قوم و ملت در میان تمام ملل اعم از ملل پیشین مانند برتری جویی فرزندان آدم، قوم نوح قوم عاد و ثمود، قوم شعیب، فرعون و قوم او، ملت یهود و نصاری و اعراب دوره جاهلیت وجود داشته است که باعث عدم ایمان آوردن آنها نسبت به انبیای الهی، ایجاد، کدورت دشمنی و... گردید و نیز در میان ملل حاضر روند مفکوره نژادپرستی ادامه دارد و از جمله مهمترین اندیشه‌های که بعد از رنسانس تبارز، نمود خودبینی و برتری جویی‌های زیرنام ناسیونالیسم، فاشیسم و نازیسم آپار تاید و صهیونیسم بود که سبب جنگهای خونین، رشد حس برتری طلبی، ایجاد نفاق ملی، و... شد متأسفانه این بیماری خطرناک در میان مردم افغانستان هم ریشه طولانی داشته و به گونه‌های تبعیض نژادی زبانی و مذهبی توسط حاکمان قدرت طلب و نژاد پرست پرورش داده شده است، و جان بسیاری از دانشمندان، پیشگامان، مذاهب فلاسفه سیاستمداران، راستین، هنرمندان و... را گرفته است و سلسله آن هنوز هم به گونه دیگر مانند حق تلفی برتر جویی حمایت کورکورانه و... در کشور موج می‌زند.

۷- نژادپرستی یهود از منظر قرآن کریم

با توجه به آیات متعدد قرآن کریم که ادعاهای برتری جویی و نژاد پرستی یهود در آنها گاهی به صراحت و گاهی به اشاره ذکر شده است در می‌یابیم که نژاد پرستی آنان در عهد عتیق و تلمود نیز امر انکار ناپذیر می‌باشد. در این مبحث به برخی از مظاهر نژاد پرستی یهود از منظر قرآن کریم پرداخته می‌شود. یهود به عنوان فرزندان و دوستان خاص خداوند یهود مدعی بودند که آنان فرزندان دوست داشتنی و دوستان خاص خداوند هستند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (جمعه، ۶). بگو ای یهودیان اگر می‌پندارید که تنها شما دوستان خدا هستید نه سایر مردم پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید. خداوند متعال در آیه مورد بحث این ادعای بی اساس آنان را رد نموده و می‌گوید به این اندازه وحشت = شما از مرگ، دلیل بر صادق نبودن در این ادعای خود است. جالبتر این که یهود تنها دین خود را آیین حق دانسته و سایرین را پیروان خدایان خود ساخته و دروغین می‌پنداشتند حتا حاضر نبودند که با مخالفان خود پیمان ببندند؛ روی همین منظور اندکترین توصیه را به آنان روا نمیدانستند و در حالات جنگ کوچک ترین ترحم و حقوقی برای آنها در نظر نمی‌گرفتند. قرآن مجید در موارد مختلف از زبان یهود و نصاری نقل کند:

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ» (مائده، ۱۸). یهود و نصارا گفتند ما پسران و دوستان خدائیم بگو پس چرا شما را به خاطر گناهانتان عذاب می دهد؟ بلکه شما انسان و از آفریدگان او هستید؛ هر که را بخواهد میبخشد و هر کس را بخواهد، جزا می دهد.

از دیگر مظاهر تبعیض نژادی در عهد عتیق با اشاره به قرآن کریم توهم نژادپرستی بنی اسرائیل، موجب پندار اختصاص سعادت آخرت به آنان برشمرده شده است: «قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۹۴).

۷-۱- عوامل تبعیض نژادی از منظر قرآن کریم

نژاد پرستی پدیده زشت و مهلکی است که از امراض روانی و انحطاط فکری جامعه بشری نشئت می - کند. در جامعه ای که تعالیم عادلانه اسلامی و آموزه های حیات بخش قرآنی ضعیف شود یا نادیده گرفته شود، تبعیضات به ویژه نژاد پرستی رشد مینماید؛ چون افرادی که در همچو محیط نژاد پرور زیست می نمایند تنها بر معیاری خودی اتکا و اکتفا نموده به ارزشهای والای انسانی و اسلامی واقعی نمی دهند، در نتیجه انسانهایی که شناخت درست از جایگاه خود در هستی را ندارند گرفتار این گمراهی بزرگ و اخلاق ناپسندیده می شوند و همواره سعی مینمایند تا دیگران را نیز در این منجلاب غرق نمایند. روی این منظور، علل و عوامل سیر رشد و زوال این فتنه ی عظیم از منظر قرآن کریم در ابعاد مختلف اعم از اجتماعی، روانی، مذهبی و سیاسی و اقتصادی در مطالب ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۷-۲- محیط اجتماعی (مفاخر و میراث تمدنی)

یکی از بارزترین نمونه های تبعیض نژادی فخر فروشی و برتر جویی که تشکیل دهنده زیر بنایی نژادپرستی است، تعصب و خود برتر بینی ابلیس بر اساس تفاخر ذاتی و خلقی نسبت به حضرت آدم علیه السلام میباشد؛ چون او اولین کسی است که سنگ تعصب را بر سینه کوبیده و خود را نسبت به حضرت آدم علیه السلام برتر شمرده و از دستور خداوند سرپیچی نمود و در راستای به انحراف کشاندن بنی آدم از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نورزید، چنانچه این ملعون قسم خورده تعهد نمود که جهت انتقام گیری از نسل بشر مانند یک قوه مرموز و خطرناک در سرشت بنی نوع بشر گیرد تا از طریق ایجاد وسواس، افراد ضعیف الایمان را از مسیر درست منحرف سازد و وحدت جامعه بشری را برهم زند. طوریکه خداوند متعال در این زمینه می فرماید: «قَالَ مَا مَنَّكَ آلَا تَسْجُدُ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ». (اعراف، ۱۲). (خداوند) فرمود: چه چیز تو را باز داشت از این که سجده کنی وقتی که من به تو دستور داده ام؟ گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل ابلیس؛ گفت من براساس ماده آفرینش از آدم کامل و بهتر هستم! لذا برای من سزاوار نیست که وی را سجده کنم.

قرآن کریم به تاریخ و حوادث اقوام و ملل گذشته تنها به خاطر درس و عبرت گرفتن از کارکردهای که خلاف دستورهای پیامبران در ادیان سماوی پیشین انجام دادند و در نتیجه به عذابهای گوناگون الهی گرفتار شده و نابود شدند هدایت میدهد چنانچه قرآن کریم می فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (غافر، ۸۲). آیا در زمین به سیر و گردش نپرداخته اند تا ببینند سرانجام پیشینیانشان چگونه بوده است؟ آنان که از اینان نیرومندتر و دارای آثار بیشتری در زمین بوده اند ولی چیزهایی که فرا چنگ آورده بودند ایشان را رهایی نداد و بدیشان سودی نبخشید. روی این منظور تلاش شود که ما دچار اشتباه آنان نشویم آیات فروان در قرآن کریم وجود دارد که بشریت را به اندیشیدن و عبرت آموزی از سرنوشت گذشتگان فرا میخواند. کثرت آیات مورد بحث در باره دعوت مردم به مطالعه و ارزیابی حوادث ملل و اقوام گذشته که در اثر طغیان و بغاوت شان علیه پیامبران خود گرفتار انواع عذاب های الهی شدند و تأکید به اخذ عبرت از داستانهای آنها بیانگر آن است که اسلام جنبه های منفی و تفاخر به آنها را شدیداً تقبیح می نماید.

۷-۳- زبان و گویش

زبان یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است که جهت افهام و تفهیم خداوند برای نسل بشر ارزانی به داشته است و نیز اختلاف زبانها یکی از نشانه های قدرت خداوند در کنار سایر نشانه ها می رود. ۳ حساب زبان قرار داد اجتماعی است و هیچ شخصی از مادر با زبان خاص تولد نمی شود بلکه در محیط که بزرگ می شود از طریق آموزش و پرورش صحبت کردن به زبان خاص را فرا میگیرد و تقسیم بندی زبانها یک امر مورد اتفاق تمام زبان شناسان میباشد. با این وجود زبان میتواند یکی از عوامل تبعیض در عرصه حیات اجتماعی باشد همانگونه که در فصل اول بیان شد تعصب یک پدیده فاقد پایگاه علمی و منافی فطرت انسانی میباشد لذا برای تعصب زبانی نیز نمیتوان پایه علمی و منطقی یافت.

اندیشه ی تفوق طلبی بر مبنای زبان خاص یا گویش محلی خاص بیانگر حالت غیر فطری و سرپیچی از اوامر دین مبین اسلام میباشد؛ چون اسلام عزیز هرگز اجازه نمیدهد در زدودن حرام دست به کار حرام دیگری زده شود. پیامبر گرامی اسلام مبعوث نشد تا باطلی را با باطلی دیگر بزدايد و يا تجاوزی را جایگزین تجاوز دیگری کند و يا چیزی را در جای حرام کند و در جایی دیگر حلال خودخواهی ملتی را با خودخواهی ملت دیگر جایگزین کند. چون دعوت اسلام فرا مرزی و جهانی بوده و رسالت پیامبر صلی الله علیه و سلم رحمت برای تمام موجودات میباشد چنانچه خداوند در زمینه می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷) ای پیامبر! تو را جز مایه ی رحمت برای جهانیان نفرستاده ایم. این آیه بیانگر جهانی بودن رسالت پیامبر گرامی اسلام و نسخ ناپذیری آن می باشد، و نیز اعزام رسول گرامی به سوی اجتماعات، بشری مطلقا خیر و اساس تعالی و ارتقای بشری است و در مورد همه شئون جوامع انسانی برنامه های درست وضع نموده است و آنچه سبب رسیدن به مقامات والای انسانی و فضایل اخلاقی میشود ریشه در تعلیمات قرآنی دارد.

۷-۴- قومیت

تعصب قومی اصطلاحی است که وفاداری و تعلق کامل به قوم یا قبیله را نشان میدهد و همیشه از آن دفاع می نماید، این دفاع چه مظلومانه یا ظالمانه؛ زیرا نژاد پرستی قومی یک از تعصباتی است که تحت رفتار افراد وابسته به قوم و یا قبیله قرار میگیرد سمت، گرایي تعصب گروهی و قبیله ی پیامدهای ناگوار بر افراد و محیط دارد قوم گرایی و قوم مداری یکی از عوامل نژاد پرستی است که متعصبین می کوشند بر محور این پدیده چرخیده و تجمع ورزند و قوم خویش را معیار برای خوینها و بدیها قرار داده و بر مبنای آن قضاوت نمایند، که این موضوع از دیدگاه اسلام مردود میباشد و باید بر علیه آن مبارزه جدی صورت گیرد.

خداوند از استهزا و تمسخر فرد و یا گروهی دیگر تحت هر عنوان و معیاری که باشد، مسلمانان را منع نموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ...» (حجرات، ۱۱). ای مؤمنان نباید گروهی از شما گروهی دیگری را استهزاء، کنند شاید آنان بهتر از اینان باشند. هنگامی که گروهی از بنی تمیم فقرا و مساکین از مسلمانان مانند حضرت عمار و صهیب رضی الله عنهما را حقیر و خوار شمردند این آیه نازل شد.

فعل «یسخر» مشتق از کلمه «سخریه است و به معنای تمسخر و استهزاء می باشد و منظور از استهزاء این است که کسی جانب مقابل را با الفاظ صریح و یا تعریض تحقیر و توهین نماید و یا عملا گفتار، رفتار و نحوه سخن گفتن دیگران را تقلید، کنید به گونهی که بینندگان و شنوندگان از آن سخن روشن، اشاره، و تقلید، خوش شده خنده نمایند و مراد از «قوم در اصل گروهی از مردان است؛ زیرا مردان است که به انجام امور مهم می پردازند. خداوند در ادامه آیه فوق حکمت نهی از استهزاء این گونه بیان نموده است: «عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ»، چون احتمال می رود که آنها از شما در نزد خداوند بهتر و مقرب تر باشند.

تمسخر و استهزاء مردم از منظر قرآن مجید و حدیث، حرام بوده و گناه بزرگ محسوب می گردد. این نکته از این فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم به وضوح دانسته میشود «الکبر من بطر الحق و غمص الناس». کبر عبارت است از انکار حق و خوار شمردن مردم. منظور از «غمص» حقیر شمردن استهزاء و تمسخر دیگران میباشد. خداوند در سوره حجرات که بیانگر آداب اجتماعی از دیدگاه قرآن است حکمت و انگیزه گروه گروه و تیره تیره آفریدن انسانها را بیان داشته و معیار برتری حقیقی را مشخص مینماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳). ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را گروه ها و قبیله ها گردانده ایم تا همدیگر را بشناسید بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین تان است، خداوند مسلما دانا و آگاه است.

۷-۵- محیط جغرافیایی

یکی دیگر از عوامل شکل گیری تبعیض نژادی عامل محیط جغرافیایی، است انسانهای که در محیط خاص زندگی میکنند نسبت به آن علاقه مفرط و محبت فطری دارند، حتی که وطن و میهن مسکونی خویش را به اسم مادر نیز یاد میکنند و در برابر افراد و یا انسانهای غیر ساکن و غیر مقیم در آنجا خواهان برتری و تفوق طلبی هستند و در مقابل آوارگان و پناه جویان بعضاً انزجار و تنفر خود را اظهار می کنند. همان گونه که ملی گریان معتقد اند که هر سرزمین به ملت، آن اختصاص و تعلق دارد و دیگران هیچ سهم و حقی در آن ندارند و بر ساکنان هر سرزمین لازم است تا با جان و ثروت خود از میهن و جغرافیه ی خود، چه برحق باشد و چه نباشد، دفاع، نمایند روی این منظور شعار آنان این است که حق همیشه با هم میهن تو است. و یا اینکه به باور ملی گرایان غربی وجود بعضی از سهولتهای زندگی سبب می شود که اهل یک قاره و یا کشور یا منطقه ای خاص به آن تعصب ورزیده ساکنین آنجا را نسبت به ساکنین دیگر قاره ها و سایر مناطق برتر شمارند، چنانچه آنان همواره کوشیده اند تا ساکنین آن دیار را بر مردمان مشرق زمین برتر دانسته و جهت ثبوت ادعای خود به ارایه دلایل بی حد و حصر پردازند.

همچنان خداوند زمین را برای سکونت و رفاه انسانها قرار داده است «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً...» (بقره، زمین را برایتان بگسترد و آسمان را کاخی بیافرید) (بقره، ۲۲)

خدای شما کسی است که از آیه ی مورد بحث نیز دانسته میشود که تمام انسانها دارای حق یکسان بهره گیری و استفاده از نعمتهای الهی به ویژه زمین هستند و زمین میتواند مهد مناسب برای امرار زندگانی آرام و آسوده بشر و سایر مخلوقات باشد. انسان ها به حیث مالک موقت در زندگی محدود دنیایی میتوانند از زمین استفاده نیک و مطلوب و با ثمر برای حیات جاویدانی خود نمایند. چنانچه خداوند در زمینه می فرماید: «...وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (بقره، ۳۶). و برای شما تا مدتی در زمین جا و قرار گاه و فرایند و بهره گیری است. زمین محل سکونت رفاه و قرارگاه موقت برای انسانها است و مدت سکونت آدمیان در، زمین برایشان مجهول است.

با توجه به آیات فوق می توان گفت که خداوند زمین را برای تمام مخلوقات آفریده است و هر فرد حق دارد که مطابق میل و خواست خود هر جا خواست زندگی کند و هیچ کسی نمیتواند او را از این کار جلو گیری نماید. البته بنابر، ضرورت این، اصل با قاعده مالکیت خصوصی که مورد تأیید دین مقدس اسلام است، تخصیص میخورد به طور مثال اگر شخصی مکانی را جلوتر از دیگران مالک شده و اعمار نماید، کسی دیگر در آن حق ندارد و نمیتواند وی را مزاحمت کند از دیدگاه اسلام در جهان فقط یک مرز می - تواند باشد که آن عبارت از مرز بین اسلام و کفر است. هر جا که اسلام حکومت کند به نام «دارالاسلام» یاد میشود و در غیر آن به اسم «دارالکفر نامیده می.شود، پس وجود مرزهای جغرافیایی بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی که مسلمانان و غیر مسلمانان را به ملتهای مختلف تباری تقسیم کند، در تاریخ اسلام سابقه نداشته و مردود می باشد؛ زیرا هدف نهایی دین، اسلام منحصر نبودن مردم به سرزمین و مرزهای جغرافیایی است و افرادی که خود را به سرزمین معین مقید کرده و دچار فقر یا انحراف شده اند، نکوهش میکند سرانجام مرز بندیهای امروزی از منظر اسلام هیچ گونه رسمیتی ندارد و تحت هیچ نمی تواند ملاک برتری و ارزش گذاری میان انسانها قرار گیرد.

روی این منظور اسلام پیروان خویش را در صورت احساس خطر و تهدید نسبت به دین، جان و ناموس از ناحیه ی دشمنان، دین به ترک موطن اصلی و هجرت به سرزمینهای امن، دیگر تشویق و ترغیب نموده است، چنانچه خداوند می فرماید: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِقًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء ۱۰۰) کسی که در راه الله هجرت کند در زمین پناهگاههای فراوان می بیند که بینی دشمنان را به خاک مذلت مالد، و گشایش و آسایش خواهد یافت و کسی که هجرت کنان به سوی خدا و پیامبر او از خانه اش بیرون آید و سپس مرگ او را دریابد اجر او بر عهده خدا است، و خداوند بسی آمرزنده و مهربان است. منظور از «مُرَافِقَم سرزمینهای فراوانی برای هجرت و پناهندگی که در آنجا امکانات و رفاه های مادی و معنوی میسر بوده و سبب حسرت و ندامت دشمنان اسلام می شود. همچنان در صورت عدم تهدید و خطر از ناحیه دشمنان، دین اسلام مسلمانان را به سیر و حرکت به سوی کشورها و سرزمین های دور و نزدیک به مقصد دیدن قدرتهای بزرگ خداوند و استفاده از نعمتهای فراوان الهی نیز فرا می خواند.

۸- عوامل فکری و مذهبی تبعیض نژادی

بزرگترین ابزار برای ارتباطات در میان تمام نسل بشر و جوامع مختلف همان رابطه فکری و مذهبی است که بر اساس آن افراد و گروه‌های مختلف از گوشه و کنار بر مبنای اتحاد فکری و مذهبی دور هم جمع بر آمده و احساس خودمانی و همکاری مینمایند و این یگانه وسیله‌ی است که مقتضای آن تمام روابط نسبی، خونی، جغرافیایی، قومی، سیاسی و... کنار گذاشته میشود و انسانها به دورهم گرده می آیند و بدون کوچکترین احساس بیگانگی یکدیگر را برادر میخوانند.

۸-۱- انحراف عقیدتی

بدون شک عالم موجودات آفریده خداوند بوده که بر محور واحد تنظیم و تدبیر گردیده است، و انسانها به حیث اشرف مخلوقات از جایگاه ویژه برخوردار میباشند و رسالت سنگینی را عهده دار هستند و بر مبنای همین رسالت شناخت خودیشتن برایشان یک مسئولیت است که تا از این طریق به شناخت آفریدگار جهان برسند.

بناء هر فرد و یا گروهی که معتقد به اصل توحید، باشد از اندیشه تبعیض و برتری جویی مبرا بوده و متکی به یک قدرت لایزال میباشد و تنها او را می پرستند و از او می هراسند از همین رو، انسانهای یکتا پرست از خداوند یگانه به صفت قانون گذار و مجری قانون همواره بیم داشته و خود را در برابر اش مسئول میدانند؛ چرا که آنها باور دارند تمام حرکات و سکناتشان تحت نظارت خداوند است و در برابر هر ذره‌ی از اعمالشان پاسخگو بوده و در صورت تخلف و تعصب ورزی مورد باز پرس قرار می گیرند. چنانکه خداوند در زمینه میفرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله، ۷-۸). پس هرکس به اندازه ذره غباری کار نیکو کرده، باشد آن را خواهد دید و هر کس به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید. به این معنا که کسی جزئیترین عمل خیر انجام دهد ولو که به نظرش ناچیز و بسیار کوچک معلوم شود، پاداشش را در روز بازپرس میبیند و برعکس کسی که مرتکب اندکترین عمل ناپسند شود، هرچند ظاهراً خُرد و ریز باشد، جزایش را در می یابد.

در طول تاریخ دیده شده است هنگامی که انسانها از اصل توحید منحرف شدند و به افراد و گروه‌های متعصب، خودخواه انحصارگر و مستکبر مبدل گردیدند عقاید شرکی و خرافی در میان آنها ظاهر و جاگزین اصل توحید خواهد شد شرک پدیده ایست ناشی از تبعیضات ضد اخلاقی، منطقی و خلاف واقعیت که مقتضای منافع خواهشات نفسانی برخی از افراد و گروه‌ها توأم با خرافات ساخته و پرداخته می شود، به گونه‌ی که حتی آنها را به جای الله واحد به عنوان معبود قرار میدهند و یا آن را مستقیم شریک الله ذو الجلال می پندارند پس شرک زاده تعصب و پدیده تکامل یافته خرافی است که جهان را متفرق و از هم مجزا میبیند و امور زندگی را مرهون الهه‌های خود ساخته بشر میدانند؛ لذا از درک حقایق عاجز و ناتوان است. «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكُ وَالْهَتَكَ قَالَ سَنَقْدِلُ أَتْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» (اعراف، ۱۲۷). اشراف قوم فرعون گفتند: آیا موسی و پیروان او را آزاد میسازی تا در سرزمین به فساد بپردازند و تو و معبودان تو را ترک گویند؟ گفت: پسران آنان را علی الدوام خواهیم کشت و دخترانشان را زنده نگاه داریم و ما بر ایشان کاملاً مسلط هستیم.

بنابراین هرکس و یا گروهی که از خط کتاب و سنت عدول کرد و به رسم و رواج نیاکان و بزرگان مذهبی تعصب، ورزید بدون تردید از اهل جاهلیت خواهد بود جهل و نادانی بیماری است و درمان آن پرسیدن و تحقیق کردن در کتاب الله و سنت نبوی میباشد چنانچه خداوند در مورد می فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ يَاقِيعَةٍ يَخْشِبُهُ الظَّمَانُ مَاءً...» (نور، ۳۹) کافران اعمالشان به سرابی میماند که در بیابان بی آب و علفی شخص تشنه‌ای آن را آب پندارد.

آیه فوق در مورد مشرکین نازل شده است که حق را میپوشاندند و باطل را از روی ستم و تزویر اظهار و غالب میساختند و با تکبر و عناد بر این کار خویش اصرار می ورزیدند بنابراین اعمال و رفتارهای را که در دنیا شایسته و نیک می پنداشتند در روز قیامت برعکس اعمال مؤمنان خواهند یافت، که مانند سرآب می درخشد اما حقیقت و واقعیت ندارد حالت اهل جهل و نادانی نیز همین گونه است گمان می برند که برحق و دارای علم، اند، لکن وقت حقایق برایشان واضح گردد خواهند دانست که همه رفتارهای آنها مانند سراب صحرا بوده است که به چشم آنها به صورت آب دیده می شده است تعصبات رایج در میان مذاهب فقهی قرن‌ها بعد از مؤسسين و پیشوایان مذاهب

ظهور کرد؛ زیرا همه امامان شاگردان خود را بر عمل به کتاب و سنت تشویق میکردند و میت گفتند هنگامی که رای ما را مخالف کتاب و سنت دیدید را به دیوار زده و به کتاب و سنت پابند باشید.

۸-۲- علمای سوء

یکی دیگر از عوامل فکری تبعیض نژادی علمای سوء میباشد؛ چون هر فرد و یا گروه نخست براساس همان ایدیولوژی و جهان بینی خود پیرامون همه مسایل میبیند تا شناخت به معتقدات خود داشته باشد، جهان بینی اسلامی نیز بر روی همین منطق در گام نخست شناخت از توحید و آموزه های دینی را بر هر فرد مسلمان لازم میدانند در این صورت تمام مسلمانان بر مبنای «رسالت چنانچه فطرتا مسلمان آفریده شده اند، باید جهان بینی خود را مطابق تعلیمات اسلامی انتخاب کنند و همه به مثابه علمای دین رسالت ایمانی داشته باشند.

با تاسف که برخی از علما مانند پاپهای کلیسا حق را منحصر در جانب خود میدانند و ماسوای آن هر چه باشد مردود می پندارند هرچند حق بوده و مطابق واقعیت باشد و از جانب دیگر در طول تاریخ دشمنان مکار، اسلام علمای راستین امت را به بهانههای مختلف عده ی را به کام مرگ و برخی دیگری را روانه ی زندان کردند و فقدان علمای واقعی سبب شد که علمای سوء قد علم نموده و از دین تفسیر تعصب آمیز برای مردم ارایه دهند تا بتوانند منفعت مادی و معنوی خود را حفظ نمایند؛ لذا می توان گفت که علمای سوء بدترین و مضرتترین در عرصه های دینی علمی و فرهنگی است که مانند پطرویل برای آتش افروزی در ایجاد زمینه تعصب شعله افزا هستند روی این ملحوظ است که خداوند چنین افراد را مورد سرزنش و نکوهش قرار داده و در زمینه میفرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رِيحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ، مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبُ اللَّهِ نَبُورَهُمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره، ۱۶-۱۷). اینان رهنمودهای را به گمراهی فروخته اند و لی تجارت شان هیچ سودی برایشان، نداشت و ایشان راه هدایت را نیافتند داستان اینان همانند داستان کسی است که آتشی را با کوشش فراوان بیافروزد و آن گاه که آتش اطراف او را روشن گرداند، پروردگار آتش آنان را خاموش نماید و ایشان را در انبوهی از تاریکیها رها سازد، به گونه ای که چشمانشان نبیند. باتوجه به آیه فوق میتوان چنین نتیجه گرفت که علمای سوء خطرناکترین عامل در بروز تبعیض نژادی و تعصبات قومی میان افراد و گروه ها میباشند و همیشه آنها تلاش نموده اند که جهت حفظ مقام و جایگاه خود چراغ تعصب را روشن نگهدارند دانشمندان سوء همواره از علم و جایگاه دینی خود سوء استفاده کرده و الگوی سایر افراد و گروههای تبعیضگرا و منحرف قرار گرفته اند.

۸-۳- عدم تحکیم شریعت آسمانی

یکی از دیگر از اسباب بارز تبعیض نژادی عدم تحکیم شریعت آسمانی و در کل پیروی نکردن از نصوص شرعی و دوری گزیدن جوامع غیر اسلامی از دین الهی میباشد که در ایجاد برتری جویی میان اقوام و ملت های گوناگون، نقش سازنده دارد. از منظر قرآن کریم عدم تحکیم شریعت، آسمانی، سبب خروج از دین و سر پیچی از فرامین الهی حسوب میشود چنانچه خداوند در زمینه می فرماید: «... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده، ۴۴). هر کس برابر آن چیزی حکم نکند که خداوند نازل کرده است، آنان بیگمان کافرند.

در هنگام حیات پیامبر اسلام برخی از منافقین از اجرا و تطبیق احکام خدا و پیامبر صراحتا امتناع می- ورزیدند و به جای آن با وجود نصوص قطعی در مسایل خاص به احبار و عالمان یهود جهت حل و فصل منازعات خویش رجوع می کردند چرا که تطبیق بالفعل شریعت محمدی را به ضرر خویش پنداشته و نسبت به اسلام و اهل آن به دیده حقارت میدیدند و در مقابل احبار یهود را برتر و شایسته ی داوری می- دانستند، از این رو به کسانی مراجعت میکردند که طمع داشتند تا به میل و خواست شان داوری نمایند، قرآن عظیم الشان عمل کرد این گروه از منافقین را به شدت محکوم نموده و در صورت عدم پذیرش قضاوت پیامبر اسلام ایمان آنها را زیر سوال میبرد. چنانچه خداوند در زمینه میفرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» (نساء، ۶۱). و زمانی که برایشان گفته شود به سوی چیزی بیایید که خداوند آن را نازل کرده است و به سوی پیامبر روی آورید منافقان را خواهی دید که سخت از تو روی بر می تابند.

بیشتر مفسرین در شأن نزول آیه ی، مزبور چنین می‌نگارند دو نفر منافق و یهودی بین هم در گیر شدند، یهودی گفت: قاضی بین من و خودت ابوالقاسم محمد صلی الله علیه و سلم باشد، منافق گفت: نخیر! کعب بن اشرف باشد سبب این بود که پیامبر گرامی، اسلام مطابق حق و کعب بن اشرف براساس شخصیت و رشوت فیصله میکردند ادعای یهودی بر حق و از منافق باطل بود؛ لذا یهودی دوست داشت که حکم پیامبر اسلام باشد و منافق میخواست که قاضی کعب بن اشرف قرار گیرد، پس یهودی در سخن خود اصرار کرد و هر دو نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتند و ایشان مطابق واقعیت فیصله، کرد، منافق قبول نکرد و سپس نزد ابوبکر رفتند و ایشان نیز براساس حق قضاوت نمود و منافق عدم رضایت نشان داد و گفت داور در بین من و خودت عمر باشد و سپس نزد ایشان تشریف بردند و یهودی آن حضرت را از قضاوت پیامبر اسلام و حضرت ابوبکر آگاه ساخت حضرت عمر رضی الله عنه از منافق، پرسید آیا چنین است؟ گفت: آری گفت لحظه ای انتظار بکشید تا اینکه خانه بروم و برگردم فیصله میکنم ایشان داخل خانه رفت و شمشیر خود را گرفت دوباره برگشت و سر منافق را از تنش جدا نمود و یهودی فرار کرد، منافقین نزد پیامبر گرامی اسلام از حضرت عمر رضی الله عنه شکایت کردند، پیامبر صلی الله علیه و سلم داستان را از حضرت عمر سوال کرد و ایشان: گفت ای رسول خدا منافق از فیصله شما سر پیچی کرده بود، اینجا بود که و گفت: ایشان فاروق است و در بین حق و باطل فرق نموده است، پیامبر گرامی اسلام فرشته وحی آمد صلی الله علیه و سلم برای آن حضرت: گفت ای عمر! «تو فاروق هستی!».

قرآن مجید به ادامه ی آیه ی فوق تاکید می نماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء، ۶۵). خیر؛ سوگند به پروردگارت که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و از داوری تو نشوند و کاملاً تسلیم باشند.

۹- عوامل سیاسی و اقتصادی تبعیض نژادی

یکی از موضوعات که در طول تاریخ مطرح بوده و انسانها و جوامع را فریفته خود ساخته است، بحث مسایل سیاسی و اقتصادی است دین مبین اسلام بهترین روش دولت، داری سیاست مداری و اقتصادی را جهت گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی در تعلیمات خود به صورت روشن مطرح نموده است. قرآن کریم به صورت کل معیارهای سیاست گذاری عادلانه و ملاکهای رشد مالی و اقتصادی را برای تضمین سعادت بشر بیان داشته است که در صورت تطبیق آنها جامعه بشری به سوی رفاه و تعالی سوق داده خواهد شد. بنابراین قرآن کریم به عنوان کتاب جاودانه و پاسخگوی تمام نیازمندیهای بشری در تمام ابعاد زندگی و دربرگیرنده تمام امور میباید که انسانها برای نیل به خوشبختی و تکامل خود بدان نیاز دارند. «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل ۸۹) قرآن کریم بیانگر همه چیز مورد نیاز بشر) است. بدون تردید مسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در تحت آن داخل میباید.

اما زمانیکه سیاست گذاری و زراندوزی به انحراف سوق داده شود و از آن تفسیر مطابق خواهشات نفسانی و رسیدن به آرمانهای واهی، گردد اینجاست که سیاست لادینی یا سیاست متعصبانه جاهلی و اقتصادی ضد آموزه های اسلامی اساس گذاری میشود عامل اصلی و عمده تبعیض نژادی و تفوق طلبی در همه عرصه ها نژاد بوده و بر مبنای آن عوامل دیگری نیز تبارز مینماید و به رنگ و رونق آن، بیشتر می افزاید و خاصا عرصه های مذهبی و علمی نژاد پرست مسئولیت میگیرند تا پدیده شوم تبعیض نژادی را رنگ شرعی و علمی داده و برای سیاست مداران آماده ای تطبیق، نمایند و در اثر آن اعمال چنین سیاستهای مغرضانه و ثروت اندوزیهای مزخرفانه، جامعه را گرفتار حرج و مرج مینماید و مردم آن درچار بدبختی می گردد و از مسیر ترقی و پیشرفت باز می ماند.

۹-۱- افزون طلبی و ثروت اندوزی

یکی دیگر از عوامل برتری جویی و تبعیض نژادی افزون طلبی و ثروت اندوزیهای است که بر خلاف آموزه های اسلامی استوار باشد، حرص افزون طلبی و اصرار بیش از حد به جمع آوری مال و دارایی دنیا از یک طرف باعث غفلت انسان از یاد خدا و روز رستاخیز شده و از سوی دیگر منجر به برتری جویی و خود خواهی میشود. قرآن کریم پدیده ی ثروت اندوزی را مانع رسیدن به خداوند می داند: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُ الَّذِي أَخَذُوا آلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَّ رَسُوًا مَا فِيهِ وَالْذَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (اعراف، بعد از آن فرزندان ناخلفی

جانشین آنان شدند که وارث کتاب، گشتند ثروت این جهان پست را گفتند: بخشیده خواهیم شد و حال آن که اگر باز هم ثروتی همانند دارایی نخست به داشتند، مگر از آنان در کتاب (تورات) پیمان گرفته نشده است که از می زبان خدا جز حق نگویند؟ و حال آن که آنچه را در کتاب است خوانده و فهم کرده اند و دنیای دیگر بسی می داشتند و دستشان آن را دریافت رسید بهتر برای کسانی است که پرهیزگاری کنند، آیا نمی اندیشید؟

از آیه ی فوق به خوبی دانسته میشود که یهودیان مصداق بارز افزون طلبی و ثروت اندوزی بودند و انهماک و حرص فراوانشان در این ردیله اخلاقی باعث شده بود که از نماز و یاد خدا دور و غافل شوند، به گونه که احساس گناه نمی کردند بنابراین نیازی به توبه و استغفار نمیدیدند و به خود تلقین کرده بودند که خداوند آنها را خواهد بخشید، اندیشه ی سرمایه داری و بیماری ثروت اندوزی چنان در کام آنها شیرین شده بود که احکام صریح الهی را در باب تحریم رشوت و حرام خوری نادیده گرفته و به آن، مخالفت می کردند.

عناصر و سازمانهای سود جو همواره در صدد جمع آوری ثروت و احتکار آن بوده و برای نیل به چنین هدفی از هرگونه ابزار و وسیله ممکن بهره میبردن تا به قیمت از دست دادن ارزشهای دینی، انسانی و اخلاقی تمام شود. «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ، اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (توبه ۸ - ۹ چگونه اگر بر شما پیروز شوند نه خویشاوندی را در نظر گیرند و نه عهدی را مراعات می، دارند آنان با سخنان خود شما را خوشنود می دارند، ولی دلهایشان ابا دارد، بیشتر آنان نافرمانبرداری از آیات خدا را به بهای اندک فروخته‌اند و از راه خدا بازمانده اند و دیگران را نیز از آن بازداشته اند آنان کار بسیار بدی کرده اند.

از تأمل در لابلای مطالب ذکر شده در فصل سوم به این نتیجه میرسیم که قرآن کریم سیر رشد و زوال پدیده تبعیض نژادی را در چهار عامل عمده ای زیر روشن کرده است.

یک عوامل محیطی تبعیض نژادی در خود اسباب مختلف برای ایجاد و گسترش نژاد پرستی دارد که از مصادیق بارز آن یکی محیط اجتماعی است نمونه ی عمده ، آن فخر فروشی ابلیس براساس ماده ی آفرینشش نسبت به حضرت آدم علیه السلام است برخی از اقوام به تاریخ گذشتگان خود تفاخر و مباهات نموده و خویشان را نسبت به سایر ملل برتر می پندارند تربیت خانوادگی یکی دیگر از مصادیق عوامل محیطی تبعیض نژادی است و در تقلید از والدین که اساس گذار شخصیت انسان میباشد تبارز مینماید؛ روی این منظور افراد متعصب گفتار و کردار والدین خویش را ملاک همه خوبیها و بدیها قرار می دهند. عده ی دیگر فضیلت و برتری را در زبان و گویش قوم خود میبینند در حالی که قرآن کریم اختلاف زبانها را در کنار سایر نشانه ها از زمره ی نشانه های قدرت ، خداوند قلمداد می، کند قومگرایی یکی دیگر از مثالهای عوامل محیطی تبعیض نژادی ، است به این معنا که برخی از مردم براساس قوم و قبیله نسبت به دیگران تفوق طلبی و برتری جویی مینمایند جغرافیه و محل سکونت یکی دیگر از عوامل محیطی نژاد پرستی میباشد که برخی ها آن را دلیل برای برتر بودن نسبت به دیگر اقوام پنداشته و تنها خویشان را مستحق زیست در آن، میدانند، در حالی که قرآن مجید نظام طبیعت را بستر خوبی برای دستیابی به توحید و خدا شناسی معرفی می دارد.

دو - عوامل روانی دومین عامل نژاد پرستی میباشد که دارای اسباب گوناگون ، است، شهرت خواهی یکی از مصادیق بارز آن شمرده میشود به این معنا شهرت طلبی که انگیزه ی ، آن کسب قدرت و تفوق طلبی بر دیگران میباشد اگر هدف از شهرت خواهی ارایه ی خدمات عام المنفعه و کسب رضای خداوند باشد، امر پسندیده بوده که از نیکوترین نمونه های آن فعالیت و خدمات انبیاء علیهم السلام است. حسادت، یکی دیگر از عوامل روانی تبعیض نژادی ، است به این مفهوم که انسانهای حسود جز خویشان دیگران را به نحوی از انحا نمیپذیرند و این پدیده باعث بروز ناهنجاریهای فراوان در جامعه می گردد. خودبرتربینی، سومین سبب روانی نژاد پرستی است که مبتلایان این بیماری همواره فریفته رای و دیدگاه خویش بوده و حتا در برابر فرامین الهی ایستادگی مینمایند مانند مخالفتهای فرعون و ابوجهل با حضرت موسی و حضرت محمد علیهما السلام سایر عقده های روحی و روانی چهارمین سبب روانی ایجاد تبعیض نژادی میباشد، مثل گمان شایستگی بیش از دیگران و خویشان را سزاوار همه امتیازات پنداشتن چون ، یهود، نصاری و منافقین مدینه.

سه - عوامل فکری و ، مذهبی سومین عامل عمده تبعیض نژادی است که چندین سبب باعث میشود تا این پدیده سبب بروز نژادپرستی گردد، انحرافات عقیدتی، یکی از مصادیق کلیدی آن محسوب می گردد. به این مفهوم که هنگامی انسانها از اصل توحید منحرف شدند عقاید شرکی و خرافی آنها را فرا گرفته و دست به خودخواهی و انحصارگرایی میزنند با تاسف گاهی اوقات پیروان دین اسلام نیز دست به تعصبات مذهبی میزنند که سبب عمده ی آن تقلید کورکورانه و عدم تحقیق پیرامون کتاب الله و سنت نبوی می باشد. عدم تحکیم

شریعت آسمانی نیز یکی دیگر از نمونه های عوامل فکری تبعیض نژادی است و در ایجاد برتری جویی نقش سازنده دارد؛ چرا که حقوق و منافع ملتها در سایه تطبیق قوانین الهی تضمین شده است. برداشت غلط از دین نیز یکی دیگر از عوامل کلیدی تبعیض نژادی محسوب می شود که نمونه روشن آن تعصب صلیبیها نسبت به مسلمانان براساس فهم نادرست از دین نصرانیت است. عامل شخصیت زدگی نیز یکی از پدیده های موهومی است که انسانهای متعصب را کر و کور نموده و چنان غرق در منجلاب تبعیض نژادی میگرداند که حتا گفتار و کردار افراد مورد نظرشان هر چند مخالف عقل و دین باشد، می پذیرند.

چهار - عوامل سیاسی و اقتصادی چهارمین انگیزه ای است که باعث شده است تبعیض نژادی در میان و مردم رشد نماید مانند جاه طلبی و سلطه جویی یعنی سلطه جویان خویشتن را بر سایر مردم برتر دانسته و از طبقات ضعیف برده گیری سیاسی و باج ستانی مینمایند رقابتهای ناسالم سیاسی دومین سبب سیاسی است که باعث میشود افراد و یا گروه ها برای نیل به قدرت و دست یابی به موقفهای سیاسی دست به تکبر، خودبرتربینی زده و اقوام دیگر را مورد توهین و تحقیر قرار دهند. افزون طلبی و ثروت اندوزی سومین انگیزه ی اقتصادی است که باعث شده است در میان افراد جامعه نژاد پرستی راه پیدا کند، به این معنا مردم به جلوه های مادی و زرق و برق دنیا فریفته شده و آن را هدف زندگی خود قرار میدهند و سرانجام سبب دوری آنها از حق شده و باعث غرور تکبر و خود پسندی شان می گردد.

۱۰- پیامدهای تبعیض نژادی از منظر قرآن کریم

۱۰-۱- پیامدهای اجتماعی سیاسی تبعیض نژادی

یکی از بارزترین پیامدهای که تبعیض نژادی بر آن ضربه ی شدید وارد مینماید زیانهای است که ارتباط مستقیم به اجتماع و سیاست دارد اجتماع آسیب پذیرترین عرصه ای است که بیشترین خسران را از این ناحیه متحمل می شود؛ چرا که نخستین بار بیمار مزمن و منفور تبعیض نژادی در این عرصه کشت می گردد و بعد به سایر عرصه ها تسری می نماید از این رو بیشترین زیانها متوجه عرصه ای اجتماعی می شود. سیاست عادلانه که جزء لاینفک شریعت الهی است باید مطابق دستورات الهی صورت گیرد، تا سبب خیر و فلاح جامعه شده و سعادت و امنیت را مردم در زیر چتر آن احساس نمایند اما زمانی که سیاست به بیراهه کشانده شود و از آن مطابق خواهشات نفسانی و گروهی تفسیر مادیگرا، شود اینجاست که سیاست های لادینی، سیکولاری جاهلی و متعصبانه تبارز میکند و پیامدهای ناگوار را تقدیم جامعه نموده و آن را به تباهی می کشاند.

تبعیض و انتقام جویی منجر به ایجاد کینه و بغض می شود چنانچه حضرت علی رضی الله عنه در زمینه می فرماید: «فأ الله الله فی کُبرِ الْحَمِيَّةِ وَفَخْرُ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَأَهُ السُّنَنانِ وَمَنَافِعُ الشَّيْطَانِ الَّتِي خَدَعَ الْأُمَمَ الْأَمَاسِيَّةَ وَالْفُرُونَ الْخَالِيَّةَ حَتَّى أَعْفُوا فِي خَنَاسِ جَهَالِيَّةِ وَمَهَاوِي ضَلَالَتِهِ». خدا را خدا را در نظر بگیرید در مورد غرور از روی تبعیض و افتخار جاهلی که تعصب و حمایت ناروا محصول کینه و محل دمیدن شیطان است که با آن ملتهای سابق و روزگاران قدیم را فریب داده است، تا اینکه در تاریکیهای جهل و انحراف او پنهان شدند.

با توجه به آیات و روایت فوق میتوان گفت که یکی از عواقب ناگوار نژاد پرستی، شعله ور ساختن آتش انتقام جویی در افراد و گروه ها است؛ زیرا انتقام جویی یکی از پیامدهای برجسته ی نژاد پرستی و ویژگی جامعه ی است که ساکنان آن دچار بیماری خطرناک تبعیض نژادی گردیده اند و در چنین جامعه روح روح عصبیت میتواند به صورت بهتر تفسیر شده و به نمایش گذاشته شود.

۱۰-۲- تزویر و تحریف تاریخ

یکی دیگر از پیامدهای ناگوار تبعیض و نژادپرستی، تزویر جعل و تحریف تاریخ میباشد. این پدیده بیشتر در میان بنی اسرائیل به ویژه ملت یهود تبارز کرده است و بیشترین تحاریف را در شأن خداوند، پیامبران، فرشتگان و کتابهای آسمانی، یهود مرتکب شدند، قرآن کریم از این رفتار زشت آنها پ پرده براشته و در زمینه می فرماید: «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا...» (نساء، ۴۶). برخی از یهودیان سخنان را از جایگاه شان تغییر میدهند و میگویند شنیدیم و فرمان نبردیم یکی از کارهای ناپسند، آنها تحریف حقیقت ها و تغییر فرامین خداوند بوده است؛ چرا که گروهی از یهودیان سخنان حق را از جای اصلی اش تحریف می نمایند و

این تحریف احتمال دارد که جنبه لفظی داشته باشد و یا جنبه معنوی و عملی ولی از جمله های بعد دانسته می شود که منظور از تحریف در این اینجا تحریف الفاظ و تغییر متون کلام الهی است؛ چرا که به تعقیب این جمله می فرماید: «وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا». به باور صاحب روح البیان قرآن کریم دو کلمه را در این جا به جمع ذکر کرده است، یکی «کلم» که جمع کلمه است و دوم «مواضع» که جمع موضع است، دلیل آن این است که یهود در تورات کلمات متعدد و بیشمار را در مواقع و موارد مختلف تحریف نموده بودند و معنای اصلی کلمات را پنهان نگه می داشتند و واقعیت و حقایق کلام خدا را به مردم اظهار نمی کردند.

از تعمق پیرامون محتوای مطالب ذکر شده در مبحث فوق به این نتیجه می رسیم که قرآن کریم، پیامدهای منفی تبعیض نژادی را به سه بخش عمده تقسیم بندی کرده است.

یک پیامدهای اجتماعی سیاسی تبعیض نژادی و این پیامد در خود به بخشهای گوناگون تقسیم شده است که یکی از نمونه های روشن، آن شکل گیری نظام طبقاتی، است در طول تاریخ، اندیشه ی تبعیض - نژادی باعث شده است که همبستگی جامعه انسانی را به طبقات بهتر و پست تر نژادی تبدیل نماید. حس انتقام جویی یکی دیگر از مصادیق پیامدهای نژاد پرستی است که به سبب آن جامعه و ساکنان آن دچار بیماری خطرناک تبعیض نژادی میگردد و در چنین جامعه روح عصبیت میتواند به صورت بهتر تفسیر شود. تزویر و تحریف تاریخ یکی دیگر از مثالهای پیامدهای ناگوار اجتماعی - سیاسی تبعیض نژادی می باشد که گروه های نژاد پرست همواره جهت مطلوب نشان دادن اندیشه ی خود دست به تزویر و جعل حقیقت ها می - زنند، در حالی که ملت های صالح خود را محاسبه نموده و کارهای مثبت شان اندک و کارهای منفیشان را بزرگ می بینند یکی از بزرگترین عامل بروز ظلم و استبداد باورهای موهومی تبعیض نژادی و تفوق طلبی است، که سبب تبارز جنگهای خانمان سوز می گردد، بنابر همین منظور قرآن مجید، ظلم و ستم را پدیده شوم برشمرده و مردم را به زندگی مسالمت آمیز فرا میخواند طغیان و سرکشی یکی دیگر از پیامدهای آن است که از خواهرشات نفسانی تبعیضگرایان نشأت نموده و در برابر هر نوع قوانین و اصولی که ظاهرا به ضررشان بیانجامد مخالفت و ایستادگی مینمایند شخصیت پرستی هم پدیده ای است که یکی از اسباب بروز آن نژاد پرستی میباشد و براساس همین اندیشه است که یهود، نصاری و برخی از فرقه های منسوب به اسلام در مورد شخصیت های معین، دینی، سیاسی و ملی غلو و افراط مینمایند یکی دیگر از بارزترین پیامدهای منفی تعصب گرایی قتل و غارت، است از این که فرد و یا جامعه ی نژاد پرست بزرگترین آرزو و دست آوردش حفظ قدرت موقف سیاسی و جایگاه اجتماعی خود و قبیله اش است، روی این منظور دست به هرگونه رفتار و اعمال فجیع و غیر انسانی میزنند هر چند که سبب نابودی و تباهی سایر ملت ها گردد. بازگشت به نژادی گذشته پیامد منفی ای است که افراد و گروه های نژادپرست در رفتارها و برخوردهای اجتماعی خود بدان روی می آورند و تمرکز بیشترشان روی بازگشت به نظامهای جاهلی متعصب، انجام گناه، جرم و جنایت میباشد قرآن کریم یکی از پیامدهای منفی تبعیض نژادی را برچسپ زنی بیان میدارد و آن را یکی از عوامل ارتکاب جرم و خیانت هنگام دست نیافتن به آرزوهای نادرست و باطل متعصبین می - شمارد. از محتوای آیات قرآن مجید دانسته میشود که خود، کامگی یکی از مصادیق پیامدهای ناگوار اجتماعی - سیاسی نژاد پرستی است که سبب خود شیفتگی نژادپرستان به دیدگاه خویش می گردد. سرانجام یکی دیگر از پیامدهای منفی نژاد پرستی دسیسه سازی و فتنه انگیزی است و بدان سبب افراد و گروه های نژاد پرست براساس حس برتری جویی تفوق طلبی، حفظ جایگاه اجتماعی و بهره گیری از اقوام و ملل زیر دستان خود دست به هر نوع ردیله ی اخلاقی میزنند.

دو پیامدهای مذهبی تبعیض نژادی دومین پیامد تبعیض نژادی میباشد که در ذیل خود شامل چند نمونه دیگر است، یکی از نمونه های بارز آن توجیه فعالیت های متعصبین محسوب می شود. قرآن کریم یکی دیگر از پیامدهای مذهبی تبعیض نژادی را فرار و روی گردانی از حق و واقعیت بیان نموده و آن را راه گریز و تسلیم نشدن به واقعیتها برای انسانهای تفوق طلب و برترجو میداند در نهایت یکی از نمونه های آشکار پیامدهای مذهبی تعصبگرایی تبعیض در پذیرش دستورات و احکام الهی است، طوری که تبعیضگرایان، هر آنچه مطابق خواستشان باشد با پیشان کشاده و بدون چون و چرا به حیث احکام و فرمان الهی می پذیرند ولی آنچه که بر خلاف تمایلات و خواهرشاتشان باشد از آن سرکشی نموده و به عنوان دستور خداوند نمی پذیرند.

سه - پیامدهای روحی - روانی تبعیض نژادی، سومین آثار منفی نژاد پرستی است، این پیامد نیز مانند سایر پیامدها دارای انواع و اقسام گوناگون است اصطلاح پرستی، یکی از مصادیق کلیدی آن به شمار میرود و متعصبین همواره تلاش مینمایند که جهت برتر نشان دادن اصطلاح و فرهنگ خود، اصطلاحات مخصوص به خویش را بر سایر اقوام و ملت ها تحمیل نمایند و در این زمینه از هیچ نوع ایثار و فدا کاری دریغ نورزند. یکی دیگر از پیامدهای روحی روانی تبعیض نژادی نگرانی میباشد به گونه ای که نژادپرستان براساس پیشداوری شان

هر حرکت را به ضد خود احساس نموده و بر علیه آن جبهه گیری مینمایند و از این که آنان توان رویارویی و ارایه ی دلایل منطقی را در برابر مخالفین خود ندارند و دست به حذف فیزیکی، گروهی و یاهم تبلیغات دروغین میزنند روی همین منظور است که آنها همواره دچار اوهام، نگرانی و تشویش هستند.

۱۱- نتیجه گیری

تحقیق حاضر با توجه به مطالب و محتویات مربوطه به نتایج و یافته های ذیل دست یافته است:

۱. چیزی حدود سه پنجم کتاب مقدس یهودیان در خصوص برتری و برگزیدگی بنی اسرائیل به ویژه یهود اختصاص یافته و محور عمده ی مباحث درشت تلمود نیز در مورد عظمت و نژادپرستی قوم یهود می- باشد. اندیشه برتری جویی آنان در آیات متعدد قرآن کریم نیز باز تاب یافته است.

۲. اندیشه ی نژاد پرستانه ی آنها تا سرحد پیش رفت که حتا باعث شد داستانهای انبیای معصوم الهی را تحریف نموده و به زعم خویش خواستند چهره های آنان را در نزد مردم خدشه دار نموده و طهارت، برگزیدگی و برتری خود را بر سایر عالم به اثبات برسانند.

۳. احساس خود برتر بینی نژادی در ساختار روانی یهود چنان عجین شده است که ارزش های والای جهانی را تنها به خود اختصاص میدهند به گونه که مفاهیم چون خدا، نبوت معاد و بهشت را در گروه خود منحصر میدانند

۴. روحیه ی تفوق طلبی آنها باعث شده است که از هر رفتار و کردار انحرافی پدرانیشان پیروی نموده و در مقابل حق ایستادگی نمایند و تا آخرین رمق حیات سعی میورزند جز تفکر و نظر خویش، نظریات و حقوق دیگران را اشتباه و بر باطل معرفی نمایند.

۵. عوامل و علل عمده ای که باعث ایجاد و توسعه تبعیض نژادی در میان افراد و گروه ها می شود، متعدد است از قبیل عوامل محیطی اجتماعی عوامل روانی عوامل فکری و مذهبی و عوامل سیاسی و اقتصادی. هر کدام از اینها عوامل درونی نیز با خود دارند که در مجموع سبب تولید تفکرات نژادپرستی و تبعیضات گوناگون در میان اقشار مختلف جوامع بشری می گردد. عوامل مورد نظر را در زیر به صورت مختصر یادآور می شویم.

الف) عوامل محیطی تبعیض نژادی از خود اسباب مختلف درونی دارد که شامل فخر فروشی بر اساس مبدای پیدایش، نسب، زبان، قدمت تاریخ تربیت خانوادگی و تقلید کورکورانه از گذشته گان، قوم گرایی و

محیط جغرافیایی میشود که از نظر نژادپرستان مینا و معیار برتری قوم و ملتشان شناخته شده است. ب) عوامل روانی تبعیض نژادی نیز در داخل خود علل مختلف دارد که در امر ترویج نژاد پرستی نقش فعال دارند مانند شهرت خواهی مذموم حسادت خود برتر بینی و سایر عقده های روحی و روانی که سبب گسترش تبعیض گرایی در میان افراد و گروههای مختلف جامعه شده است.

ج) عوامل فکری و مذهبی تبعیض نژادی این عوامل نیز در بطن خود اسباب و بواعث گوناگون دارد مانند انحرافات عقیدتی، عدم تحکیم شریعت آسمانی برداشت غلط از دین و شخصیت زدگی و شخصیت سازی. اینها عوامل فکری و مذهبی اند که بدون تردید زمینه های رشد و توسعه نژادپرستی را فراهم آورده - اند.

د) عوامل سیاسی و اقتصادی تبعیض نژادی مصادیق فراوان دارد مثل جاه طلبی و سلطه جویی، رقابتهای ناسالم سیاسی و افزون طلبی و ثروت اندوزی که در امر ایجاد و تشکل گروه های نژادپرستی در جوامع نقش مؤثر دارند.

۶. گسترش تبعیض نژادی در میان افراد و سازمانهای، نژادی پیامدهای مختلف و فراوان دارد که عواقب عمده و خطرناک آن را میتوان پیامدهای اجتماعی - سیاسی پیامدهای مذهبی و پیامدهای روحی و روانی دانست.

الف) پیامدهای اجتماعی - سیاسی تبعیض نژادی عواقب متعدد دارد مانند شکل گیری نظام طبقاتی، حس انتقام جویی، تزویر و تحریف تاریخ گذشتگان باورهای اشتباه شخصیت پرستی، طغیان و سرکشی، قتل مردم و به تاراج بردن اموال آنان برچسب زنی خودکامگی و دسیسه سازی و فتنه انگیزی. اینها عواقب زشت تبعیضگرایی در جامعه هستند که باعث به وجود آمدن انواعی از جنایات و فجایع شده اند. ب) پیامدهای مذهبی تبعیض نژادی نیز عواقب بیشمار دارند از قبیل توجیه فعالیتهای متعصبین و تبعیض و تفاوت قایل شدن در پذیرش دستورات شرعی و احکام الهی.

ج) پیامدهای روحی و روانی تبعیض نژادی نیز آثار منفی فراوان دارد، از جمله آنها یکی اصطلاح پرستی و دوم احساس خطر از رقیب خود است این امور از عواقب خطرناکی است که از یک طرف گروه نژادپرست سعی میکند تا زبان و مصطلحات خود را بر دیگران تحمیل نماید و از جانب دیگر با طرح پیش فرض های نژادی خود تلاش میوزد تا مانع پیشرفت مخالفان خود شوند و تلاش میک کنند تا رقیبان نژادی خود را در نطفه خنثی نمایند و یا آنان را از صحنه رقابت حذف نمایند.

مراجع

- باقری، مهری، تاریخ زبان فارسی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲ش
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷هد ش.
- شعاعی، محمد علی، ناسیونالیسم از دیدگاه اسلام، بیجا، قم، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴ش
- عبدالرحمن خان، تاج التواریخ، بیجا، کابل، انتشارات میوند، ۱۳۶۴ش.
- علی بابایی، غلامرضا، آقایی، بهمن، فرهنگ علوم سیاسی، بی چا، تهران، نشر ویس، ۱۳۶۵هد ش.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ سی و ششم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۷ه ش.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، بی چا، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ش.
- کرمانی، حجتی، اسلام و تبعیضات نژادی، بیجا، بیجا، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۶۱ش.
- کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه، غالم عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴هد ش
- گلدو کولب، جولیس و ویلیام ل، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه، محمدجواد زاهدی، بی-چا، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۷۶ش.
- مجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)، ص ۲۵.
- معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ هشتم، تهران، سپهر، ۱۳۷۱ه ش.
- مهدوی، واعظ و دیگران، نابرابریها در آینه پژوهش، بیجا، تهران، انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۸۸ش
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش.